



تاریخ یک ماما دور

بازتاب موضوع «تاریخ یک ماما دور» در آثار هنری زمانه ما

حکایت مسروق مولانا در باره آن عرب و ترک و فارس و رومی که هر آنفرشان لشکر می خواستند اما چون از هر نامها عاقل بودند هشت برهم می زدند از ابایی این بخند از چهل وز دانش تپس اصحاب مسری عزیز صحرایان اگر بدی آنجا بدای صلحشان و برخی کدیشندان معاصر هم بودند که در «جلیله بابلیان» معنایی استعاری یافتند و شرایط دنیای امروز را که آدمها زبان همدگر را می فهمند اما سخن همدگر را در نمی یابند بدل از همان افتراق اولیه گرفته اند که در ذهن و زبان احساس رخ داده و اجزای نهاده که مردمان «گوش شنیدن» سخن دیگری را داشته باشند



اما فلز از اینکه کتاب مقدس چه نظری درباره دلایل پراکندگی اقوام دارد و دلیل دورگت و دیگران چه می گویند ما می دانیم که از دورترین دورهای تاریخی ثبت شده مردم این جهان خودشان را متعلق به فرهنگی مشخص و معین می دانستند و می شناسید که همان ابتدا و از همان تمدن های اولیه یک هندو زبان و پرتو خودش را داشته لباس مخصوص خودش را می پوشیدند آداب و مناسک مشخصی را به جا می آوردند و بارهای منحصر به فردی داشته مجموعه این آداب و آیین ها و باورها به همراه زبان و پوشش و معنای و دیگر نشانه های آشکار و پنهان یک قوم را فرهنگ آن قوم می نامند فرهنگی که هم پایه های پیدایش یک «تمدن» را مطرح می کرد و هم سره آن تمدن فرض می شد و بنابراین تعبیر هندو بودن هه این نشانه ها را یکجا به خاطر می آوردند نشانه هایی که به شکل واضحی یا همصوری بودن تفاوت داشته با «چینی بودن» تفاوت داشته با «ایرانی بودن» هم تفاوت داشتند و با «یونانی بودن» نیز اگر فرض کنیم که در منطقی سطح بر فراز کره زمین قرار گرفته ایم و از آنجا به نظاره طرح تمدنی خنثی سنتی نشسته ایم تمدن هایی که کاملاً محصور و محفوظ را می بینیم که دیوارهایی ضخیم آنها را از هم جدا کرده است دیوارهایی که گاه مثل دیوار چین موجودیت همین می یابند و گاه حائل هایی هستند از جنس زمین فرهنگه آیین و در یک کلام جهان بینی یک قوم اختلاف بین آیین جهان بینی ها در دنیای سنتی موجب می شده که وقتی یک قوم از نحوه تلقی قوم دیگر از زندگی ناخبر می شده آنها را وحشی بیفرار و ترس از بیگانه تبدیل به خصمتی پایدار در بین اقوام شود هر کس که به زبانی متفاوت حرف می زدند و لباسی متفاوت می پوشیده و آنچه را نباید خورد می خورده و چیزهای غیرمقدس را مقدس فرض می کرده غریبه ترسناک و چهجا غیر آدمیزاد تلقی می شده و بسیاری از جنگ های دنیای سنتی از منظر هر قوم نبود با اقوامی وحشی به حساب می آمده که از تمدن و فرهنگ نصیبی نبرده اند شاید از همین روست که «هنر» در دنیای قدیم چنین ترحم و اعتباری دارد و همیشه از آدمهای «سپهر سفر رفته» و «دنیادیده» با احترام یاد می شود و اصلاً در خیالی از موارد کمی را حکیم می پندارند که چهار گوشه جهان را دیده و از احوال دیگر مردمان ناخبر شده کسانی که از چنین سفرهایی باز می گشتند خطرات فراوانی برای نقل کردن داشتند و تا چند سال و چه بسا تا آخر عمر در هر محظلی که می نشستند حکایت می گفتند عجبایی که دیدم و در سرزمین هایی که پیموده اند و به این ترتیب سفرنامه نویسی به امری رایج تبدیل می شود و سفرنامه های مشهوری به زبان های مختلف نوشته می شود طی قرون متمادی صاحب ترس و هوجان انگیز ترسند سلطان ها برای مرخصان همین سرگذشت های غریب از چهار گوشه جهان به حساب می آمده و اختلاف فرهنگها موضوعی جناب و برتر قرار بوده است اما وقوع رنسانس و پیدایش صنعت چاپ ظهور

شاید بشود این طور گفت که داستان اسطوره ای برج بابل و عقابت سازندگانش پیش از آنکه در روایت های مورخین ترحم و ترحمی پیدا کرده باشد در نظر حکما و ادبا تأمل پذیرگیز جلوه کرده است این حکایت در اصل دوسوم روایت مذهبی - اسطوره ای از دلایل مسرگره ای و رنج برهن بشر در دنیاست اولی همان ماجرای رفته شدن از بهشت و هیوط آدم است که او را پشیمان تنها در زمین سرگردان می کند و امکان زندگی آسان و بدون رنج و زحیرا همیشه از فرزندانش سلب می کند و دومی همین پراکندگی پس از ماجرای برج بابل است که به واسطه فهمیدن سخن یکدیگر اتفاق می افتد و آدمها را از رسیدن به آسمان (بهشت) باز می دارد و دوباره به همان تنهایی و اولرگی اولیه باز می گرداند و بسیاری از حکمای ما در گذشته با نقل این حکایت به شرح رخهای پراکندگی و ناهمزمانی آبنای بشر پرداخته اند اصلاح «جلیله بابلیان» که از همین واقعه اقتباسی شده به زبان فقهی و تکرار کردن بی معنای برخی اصوات و کلمات طری ماجرای ساخته شدن همین برج افسانه ای اشاره دارد و برز و اولین دشمنی ها در میان اقوام اولیه را به فهمیدن زبان یکدیگر منسوب می کند این معنا در طول تاریخ کاربردهای متعددی یافته و بعضی از عرفا و اهل ادب ما یا رجوع به آن روایت های قابل تاملی از فصلی مردمان نقل کرده اند مثل گرفته است

آبجا را بابل (دینی اختلاف) نامیدند چون در آنجا بود که خداوند در زبان آنها اختلاف ایجاد کرد و ایشان را روی زمین پراکنده ساخت»

مورخین و فرهنگ نگاران بسیاری تا به امروز تلاش کرده اند بشرحی از دلایل ایجاد اقوام اولیه و شکل گیری تمدن در مشرق زمین و سپس مهاجرت تدریجی مردم به گوشه و کنار دنیا ارائه دهند از هر دو دوت که تأثیر تلقی های مذهبی - اسطوره ای در توصیفشان هویست تا ویل دورت که سعی می کند با نگاهی کاملاً علمی و با اتکا به نظریه «ترقی» تاریخ تمدن را روایت کند در اولین صفحات تاریخ تمدنی که ویل دورت روایت می کند هم نام سرزمین بابل آمده و محال مردمانش توصیف شده اما نه آن بابل افسانه ای کتاب مقدس بلکه همان شهر بابل که در مجاورت نینوا واقع شده بود و مهد تمدن بین النهرین محسوب می شود ویل دورت منشأ اختلاف زبان اقوام را هم خشم خدایند از ساخته شدن برج بابل نمی پندارد و دلایلی تاریخی و علمی بسیاری آن ذکر می کند او به دخالت امر قدسی در پیدایش زبان اعتقاد ندارد و کلمات را نشانه های قراردادی مردم می داند برای رساندن مقصودشان به یکدیگر که در طول زمان و بر مبنای اقتضات فرهنگی هر منطقه و قومی که ساکن آن منطقه بوده شکل گرفته است

حسین معززی نیا

در کتاب مقدس (عهد عتیق) در سفر پیدایش داستانی نقل شده با عنوان «برج بابل» که تصمیم اقوام اولیه آدمیان بر سر ای بر کردن برجی عظیم بر ارض می دهد چنین آمده که پس از توفان نوح و پراکنده شدن فرزندان آن حضرت در زمین جمعیت دنیا که همه به یک زبان حرف می زدند رفته رفته زیاد شدند و به طرف شرق کوچ کردند تا به دشتی وسیع و پهناور در سرزمین بابل رسیدند و در آنجا سکتی گزیدند هر دمی که در آنجا می رفتند یا هر مشورت کرده گفتند برابید شهری بزرگ بنا کنیم و برجی بلند در آن بسازیم که مسرتش به آسمان برسد تا نامی برای خود پیدا کنیم بنای این شهر و برج مانع پراکندگی ما خواهد شد برای بنای شهر و برج آن خشت های پخته تهیه نمودند از این خشت ها به جای سنگ و از قیر به جای گچ استفاده کردند اما هنگامی که خداوند به شهر و برجی که در حال بنا شدن بود نظر کشیدند گفتند زبان همه مردم یکی است و متحد شده این کار را شروع کرده اند اگر اکنون از کار آنها جلوگیری نکنیم هر آینده هر کاری بخواهند انجام خواهند داد پس زبان آنها را تغییر خواهیم داد تا سخن یکدیگر را نفهمند این اختلاف زبان موجب شد که آنها از بنای شهر دست بردارند و به این ترتیب خدایند ایشان را روی زمین پراکنده ساخته از این سبب

